# سرچشمه‌های احادیث

سید محمدجواد شبیری*

## چکیده

این مقاله درباره فرازی از یکی از زیارات پیامبر است که با مراجعه به دیگر زیارت‌ها و احادیث معنای آن روشن می‌شود.
نویسنده، در این مقاله بر آن است تا روشن سازد که گاهی برای روشن ساختن معنای درست زیارت باید به سرچشمه آنها ـ که قرآن و برخی از احادیث شیعه است ـ مراجعه کرد.
**کلید واژه‌ها:** زیارت پیامبر، سرچشمه احادیث، قرآن، فقه‌الحدیث.

## درآمد

سال‌ها پیش، هنگامی که نگارنده در کنار تربت پاک پیامبر گرامی اسلامﷺ به قرائت زیارت مشهور آن حضرت ـ که از معاویة بن عمار از امام صادقؑ نقل شده ـ می‌پرداخت، عبارتی نامأنوس در این زیارت اندیشه وی را مشغول داشت. گفتگوهای چندی که با دوستان فاضل انجام گرفت، گره این مشکل را نگشود تا به زیارت پیامبرﷺ در روز شنبه برخورد شد، این زیارت ـ که بسیار شبیه زیارت فوق است ـ راه‌حلی قابل توجه در پیش روی نهاد، ولی با بررسی‌های بیشتر این نتیجه به دست آمد که حل این مشکل در گرو توجه به سرچشمه این زیارت است. بدین ترتیب، نگارنده دریافت که روش مراجعه به احادیث مشابه ـ که سال‌ها با آن آشنا بوده و کارکردهای آن را در بحث‌های سندی و متنی بارها تجربه کرده بود ـ[1] باید در سایه شناخت سرچشمه حدیث پیموده گردد.

در بحث‌های حدیثی دیگر، اهمیت این امر و ابعاد آن آشکار شد و نیاز به مقاله یا مقاله‌هایی در تبیین این روش احساس گردید. مقاله حاضر نخستین مقاله از این دست است که با تکیه بر زیارت فوق و با بررسی حدیثی دیگر از حضرت سیدالشهداءؑ در صدد روشن ساختن پاره‌ای از زوایای این بحث است.

---

* محقق حوزه علمیه قم.

۱. به عنوان نمونه ر. ک: «درنگی در واژه تنقبت در زیارت عاشورا»، مجله *علوم حدیث*، شماره۲۱، ص۴۸.

## آغاز سخن

در بسیاری از احادیث اهل‌بیت علیهم السلام بر تطابق احادیث با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید شده است؛[2] از جمله در حدیثی از امام صادق علیه السلام در توضیح علت عرضه احادیث بر کتاب و سنت پیامبر و مردود دانستن احادیث مخالف با این دو منبع می‌خوانیم:

**فإنّا اذا حدّثنا قلنا: قال الله ـ عزوجل ـ و قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله.**[3]

در ادامه این حدیث از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

**فإنا اذا حدثنا، حدثنا بموافقة القرآن و موافقة السنة، إنّا عن الله و عن رسوله نحدّث، و لا نقول: قال فلان و فلان، فيتناقض كلامنا، إنّ كلام آخرنا مثل كلام اولنا، و كلام اوّلنا مصداق لكلام آخرنا... .**

مقاله حاضر، با عنایت به این گونه احادیث، در جستجوی روش یافتن سرچشمه‌های احادیث برآمده و بر اهمیت این امر در شناخت متن درست و دقیق احادیث و فهم ژرف از روایات تأکید می‌ورزد.

## نقل زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اشاره به اشکال آن

در صحیحه معاوية بن عمار از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که در کنار تربت پیامبر صلی الله علیه و آله و در بالای سر آن حضرت بگو:

**[۱] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله. [۲] و اشهد انّک رسول الله و اشهد انّک محمد بن عبدالله. [۳] و اشهد انک قد بلّغت رسالات ربک و نصحت لامتک و جاهدت فی سبيل الله و عبدت الله [مخلصاً]، حتی اتاک اليقين بالحکمة و الموعظة الحسنة، و ادّيت الّذی عليک من الحق و انّک قد رؤفت بالمؤمنين و غلظت علی الکافرين. [۴] فبلغ الله بک أفضل شرف محلّ المکرمين. [۵] الحمدلله الّذی استنقذنا بک من الشرک و الضلالة. [۶] اللهم فاجعل صلواتک و صلوات ملائکتک المقربين و عبادک الصالحين و انبياءک المرسلين و اهل السماوات و الارضين و من سبّح لک يا رب‌العالمين من الاولين و الآخرين علی محمد عبدک و رسولک و نبيک و امينک و نجيک و حبيبک و صفيک و خاصتک و صفوتک و خيرتک من خلقک. [۷] اللهم اعطه الدرجة و الوسيلة من الجنة، و ابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الاولون و الآخرون. [۸] اللهم انّک قلت: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَلَمُوا**

۲. از جمله ر. ک: *الکافی*، ج۱، ص۹۶ـ۷۲ (باب الاخذ بالسنة و شواهد الکتاب)؛ *بحارالانوار*، ج۲، ص۲۲۵ به بعد، باب علل اختلاف الاخبار و کیفیة الجمع بینها و العمل بها...، بویژه ص۲۲۵، ح۲؛ ج۳، ص۲۲۷، ح۴؛ ج۵، ص۲۳۳، ح۱۵، ص۲۳۵، ح۲۰، ص۲۴۲، ص۳۷ تا ص۲۴۳، ح۴۴، ص۲۴۴، ح۴۸ـ۵۲، حدیث مشهور ثقلین نیز به همین امر نظر دارد.

۳. *رجال الکشی*، ص۲۲۴، ش۴۰۱ و به نقل از آن در *بحارالأنوار*، ج۲، ص۲۴۹، ح۶۲

**أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّـهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّـهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾. [۹] و انّی اتیت نبیّک مستغفراً تائباً من ذنوبی و انّی اتوجه بک الی الله ربی و ربک لیغفرلی ذنوبی.**[۴]

اشکال ما در بند سوم است؛ جار و مجرور «بالحکمة و الموعظة الحسنة» با فعل نزدیک آن «اتاک الیقین» ارتباط معنایی ندارد؛ ارتباط معنایی این عبارت با فعل «عبدت» هم چندان وثیق نیست و دشوار است که این جار و مجرور را متعلق به این فعل بدانیم. مرحوم علامه مجلسی در *مراة العقول* در توضیح «بالحکمة» می‌فرماید:

**حال عن فاعل (عبدت)، او (جاهدت)، و الاول اقرب لفظاً، والثانی معنی.**[۵]

مرحوم ملا محمدتقی مجلسی در *روضة‌المتقین* جار و مجرور را متعلق به «بلّغت» دانسته است.[۶]

مرحوم فیض کاشانی در *الوافی* جار و مجرور را متعلق به سه فعل «بلّغت» و «نصحت» و «جاهدت» گرفته است،[۷] ولی این سؤال مطرح است که بر فرض درستی این سخن، چرا بین فعل و متعلق آن فاصله افتاده است.

نگارنده برای پاسخ به این گونه سؤالات در جستجوی روایات مشابه برآمده، دریافت که شبیه‌ترین زیارت به این زیارت، زیارت پیامبرﷺ در روز شنبه است.

## نقل زیارت پیامبر اکرمﷺ در روز شنبه

مرحوم سید بن طاووس در *جمال‌الاسبوع* زیارتی برای پیامبرﷺ در روز شنبه نقل کرده که تقریباً همین زیارت است، با چند بند افزوده. در اینجا قسمت مشترک این زیارت آورده شده، به تفاوت‌های مهم آنها اشاره می‌شود:

**[۱] أشهد ان لا اله الا الله لا شریک له.**

**[۲] و أشهد أنّک رسوله و انّک محمد بن عبدالله.**

**[۳] و أشهد انّک قد بلغت رسالات ربّک و نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل الله بالحکمة و الموعظة الحسنة و ادّیت الّذی علیک من الحق و انّک قد رؤفت بالمؤمنین و غلظت علی الکافرین و عبدت الله مخلصاً حتی اتاک الیقین.**

۴. *الکافی*، ج۴، ص۵۵۰، ح۱ (و به نقل از آن در *التهذیب*، ج۶ ص۵، ح۸؛ *وسائل‌الشیعة*، ج۱۴، ص۳۴۱، ح۱۹۳۵۳، باب ۶ از ابواب المزار، ح۱) و نظیر آن در *کامل‌الزیارات*، ب۳، ح۱ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۱۵۰، ح۱۷)؛ *مصباح المتهجد*، ص۷۰۹ (و به نقل از آن در *البلدالامین*، ص۲۷۶ و *مصباح الکفعمی*، ص۴۷۲).

۵. *مرآة العقول*، ج۱۸، ص۲۶۰.

۶. *روضة‌المتقین*، ج۵، ص۳۲۶.

۷. در حاشیه *الکافی*، ج۴، ص۵۵۰ این مطلب به نقل از *مرآة‌العقول* ذکر شده، ولی چنین مطلبی در *مرآة‌العقول* ذکر نشده است، بلکه در *الوافی*، ج۱۴ (الجزء الثامن، القسم الثالث)، ص۱۳۴۹ آمده است، در ادامه کلام ایشان سخنی آمده که پس از این به آن اشاره خواهیم کرد.

[۴] فبلغ الله بک اشرف محلّ المکرمین.

[۵] الحمدلله الّذی استنقذنا بک من الشرک و الضلال.

[۶] اللهم صل علی محمد و آله و اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک و انبیائک و المرسلین و عبادک الصالحین و اهل السماوات و الارضین و من سبّح لک یا رب‌العالمین من الاولین و الآخرین علی محمّد عبدک و رسولک و نبیک و امینک و نجیبک و حبیبک و صفیک و صفوتک و خاصتک و خالصتک و خیرتک من خلقک.

[۷] و اعطه الفضل و الفضیلة و الوسیلة و الدرجة الرفیعة و ابعثه مقاماً محموداً یغبطه به الاوّلون و الآخرون.

[۸] اللهم انّک قلت ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّـهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّـهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾.

[۹] الهی فقد اتیت نبیّک مستغفراً تائباً من ذنوبی فصل علی محمد و آله و اغفرها لی، یا سیدنا، اتوجه بک و باهل بیتک الی الله تعالی ربک و ربی لیغفرلی.[۸]

پس از این بندهای افزوده این زیارت آغاز می‌شود که از ذکر آن درمی‌گذریم.

## مقایسه دو زیارت

ما در اینجا نخست به بیشتر تفاوت‌های این دو زیارت در بندهای نه‌گانه (بجز بند سوم) اشاره کرده، سپس به بند سوم ـ که محلّ اشکال است ـ پرداخته، راه‌حلی برای حل اشکال در این زیارت ارائه می‌دهیم.

در بند اول، در زیارت دوم، شهادت دوم ذکر نشده است.

در بند دوم، رسول‌الله به رسوله تبدیل شده است.

در بند چهارم، «افضل شرف» به اشرف تبدیل شده است که نقل زیارت دوم مأنوس‌تر است.

در بند پنجم، الضلالة به الضلال بدل شده که یا از باب نقل به معناست یا تحریف لفظی به جهت شباهت این دو واژه در کتابت (البته این احتمال قوی‌تر به نظر می‌آید).

در بند ششم، در زیارت دوم، صلواتی در آغاز افزوده شده، واژهٔ المقربین افتاده که ظاهراً در اصل زیارت بوده و به جای انبیائک المرسلین، انبیائک و المرسلین آمده که عبارت نخست بهتر به نظر می‌آید؛ عبادک الصالحین هم پس از انبیاءک آمده که صحیح‌تر است.

به جای نجیک، نجیبک آمده که یکی محرّف دیگری است. در پاره‌ای از اوصاف پیامبر جابه‌جایی رخ داده و وصف خالصتک افزوده شده که ممکن است نسخه بدل خاصتک باشد که با نسخه اصلی به متن زیارت راه یافته است.

---

۸. *جمال‌الاسبوع*، ص۲۹.

در بند هفتم، «الفضل و الفضیلة» افزوده شده و جابه‌جایی بین الوسیلة و الدرجة رخ داده و به جای «الدرجة من الجنة»، الدرجة الرفیعة ذکر شده که احتمالاً یکی از آنها تحریف لفظی دیگر به جهت شباهت آنها در کتابت است.

در بند نهم، صلواتی افزوده شده، و تعبیر «یا سیدنا» و «باهل بیتک» و «تعالی» اضافه شده است.

## مقایسه بند سوم دو زیارت

در بند سوم، یک جابه‌جایی مهم در جملات صورت گرفته است؛ جمله: «عبدت الله مخلصاً حتی اتاک الیقین» به آخر بند منتقل شده است.

بدین ترتیب، می‌توان جار و مجرور را متعلق به فعل «جاهدت» دانست و یا آن را به هر سه فعل «بلغت» و «نصحت» و «جاهدت» مرتبط ساخت؛ بدون این‌که با مشکل فاصله افتادن بین فعل و جار و مجرور روبه‌رو شویم.

زیارت‌های مشابه دیگری وجود دارد که توجه به آنها برای حل درست این اشکال لازم است.

## زیارت مشابه سوم

مرحوم سید بن طاوس زیارت دیگری از امام صادق﴿ع﴾ نقل کرده که در زیارت پیامبر اکرم﴿ص﴾ از راه دور خوانده می‌شود و قطعات چندی از آن با قطعات زیارت بالا شباهت دارد، بویژه با سه قطعه سوم تا پنجم که در اینجا نقل می‌کنیم:

**[۳] اشهد یا رسول‌الله مع کل شاهد و احملها عن کل جاحد انّک قد بلّغت رسالات ربک و نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل ربک و صدعت بامره و احتملت الأذی فی جنبه و دعوت الی سبیله بالحکمة و الموعظة الحسنة الجمیلة و ادّیت الحقّ الّذی کان علیک و انک قد رؤفت علی المؤمنین [بالمؤمنین][۹] و غلظت علی الکافرین و عبدت الله مخلصاً حتی اتاک الیقین.**

**[۴] فبلغ الله بک اشرف محل المکرّمین و اعلی منازل المقربین و ارفع درجات المرسلین حیث لا یلحقک لاحق و لا یفوقک فائق و لا یسبقک سابق و لا یطمع فی ادراکک طامع.**

**[۵] الحمدلله الّذی استنقذنا بک من الهلکة و هدانا بک من الضلالة و نورنا بک من الظلمات [الظلمة]...[۱۰]**

این زیارت عبارت‌های چندی بر زیارت مورد بحث افزوده دارد که از محل بحث ما برکنار است، نکته مهم در این زیارت، افزودن «دعوت الی سبیله» پیش از بالحکمة و الموعظة الحسنة است، و مؤخر آوردن «عبدت الله مخلصاً حتی اتاک الیقین»؛ همچون زیارت روز شنبه.

---

۹. در *بحارالانوار* «قد رؤفت بالمؤمنین» ذکر شده است که همین امر صحیح به نظر می‌آید، این قطعه از آیه شریفه ﴿لَقَدْ جَاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ مَاعَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُوفٌ رَحِیمٌ﴾ [سوره توبه، آیه۱۲۸] برگرفته شده است.

۱۰. *اقبال*، ص۶۰۴ و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۱۸۳.

### زیارت مشابه چهارم

مرحوم علامه مجلسی، پس از نقل زیارتی از پیامبرﷺ ـ که پس از این نقل خواهیم کرد (زیارت مشابه پنجم) ـ اشاره می‌کند که در «نسخة قدیمة من مؤلفات بعض اصحابنا» این زیارت را با اختلافات بسیار نقل کرده است. وی سپس به نقل این زیارت پرداخته است. در این زیارت هم تعابیر زیارت مورد بحث، با زیادات بسیار، نقل شده است. ما برای نمونه به نقل قطعه مشابه این زیارت با بندهای سوم تا پنجم می‌پردازیم:

**[۳] أشهد أنّک قد بلّغت الرسالة و ادّیت الامانة و نصحت لامتک و دعوت الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جاهدت فی الله حق جهاده و عبدت الله مخلصاً حتی اتاک الیقین و انّک صدعت بامر ربّک و ادّیت الّذی کان علیک من الحق و انّک قد رؤفت بالمؤمنین و غلظت علی الکافرین.**

**[۴] فبلغ الله بک اشرف محل المکرمین و ارفع درجات المرسلین و صلی الله علیک و علی آلک الطاهرین.**

**[۵] الحمدلله الّذی استنقذنا بک من الشرک الی الاسلام و من الکفر الی الایمان و من الضلالة الی الهدی...**[۱۱]

در این زیارت نیز «دعوت الی سبیل ربک» قبل از «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به جملات زیارت افزوده شده است.




### سرچشمه زیارت‌ها

همچنان که مرحوم فیض کاشانی در *الوافی* اشاره فرموده،[۱۲] تعبیر مورد بحث ما برگرفته از آیه شریفه: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾[۱۳] است.

بی‌تردید، در عبارت روایت معاریة بن عمار افتادگی رخ داده و عبارت صحیح به شکلی است که مرحوم صدوق در *کتاب من لا یحضره الفقیه* بدون انتساب به روایت آورده است. وی همین زیارت را با همین ترتیب نقل کرده و تنها پس از «حتی اتاک الیقین»، عبارت: و دعوت الی سبیل ربّک را افزوده است.[۱۴] با این افزوده مشکل زیارت به آسانی حل می‌گردد.

البته چنانچه جمله «عبدت الله مخلصا حتی اتاک الیقین»؛ همچون دو زیارت مشابه دیگر (زیارت دوم و سوم)، مؤخر آورده شود، عبارت سلیس‌تر می‌گردد.

---

۱۱. *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۱۶۹.

۱۲. *الوافی*، ج۱۴ (الجزء الثامن، القسم الثالث)، ص۱۳۴۹.

۱۳. سوره نحل، آیه۱۲۵.

۱۴. *کتاب من لا یحضره الفقیه*، ج۲، ص۵۶۵.

افعال دیگری هم که در این بند وارد شده، همگی ریشه قرآنی دارند؛ فعل جهاد به همراه سبیل در آیات چندی وارد شده است؛[15] فعل تبلیغ یا ابلاغ رسالت به همراه فعل نصح یا مشتقات آن در چند آیه وارد شده، ولی در هیچ یک جار و مجرور «بالحکمة و الموعظة الحسنة» دیده نمی‌شود. به این چند آیه توجه فرمایید:

﴿أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ﴾.[16]
﴿أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾.[17]
﴿قَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ﴾.[18]

جمله دیگر این بند، «و عبدت الله [مخلصاً] حتی اتاک الیقین» هم برگرفته از آیه ﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾[19] است.

گفتنی است که بند سوم مورد بحث ما در دو زیارت دیگر هم وارد شده که در آنها جمله «بالحکمة و الموعظة الحسنة» ذکر نشده، لذا برای یافتن آنها باید از دیگر تعابیر این سند یاری گرفت؛ لذا تأکید بر این نکته مفید است که برای یافتن روایات مشابه نباید به یک تعبیر بسنده کرد، بلکه تعبیرهای گوناگون را در کنار هم به کار گرفت تا مجموعه روایات مشابه را ـ که به گونه زنجیره‌ای با یکدیگر ارتباط دارند ـ پیدا کرد.

برای تکمیل بحث ما نقل پاره‌ای از این دو زیارت مفید است:



## زیارت مشابه پنجم

در *بحارالانوار* زیارت دیگری برای پیامبر اکرمﷺ نقل شده که به طور صریح، به روایت نسبت داده نشده است. این زیارت با زیارتی که پیش‌تر به عنوان زیارت مشابه چهارم نقل کردیم، شباهت بسیار دارد و تفاوت مهم آن دو ـ که در این بحث تأثیر دارد ـ نیامدن «بالحکمة و الموعظة الحسنة» است.

ما در اینجا به نقل بند مشابه با بند سوم زیارت مورد بحث اکتفا می‌کنیم:

**اشهد انّک قد بلّغت رسالات ربک و نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل الله حق جهاده داعیاً الی طاعته زاجراً عن معصیته و انّک لم تزل بالمؤمنین رؤوفاً رحیماً و علی الکافرین غلیظاً حتی اتاک الیقین.**[20]

---

۱۵. سوره بقره، آیه۲۱۸؛ سوره نساء، آیه۹۵؛ سوره مائده، آیه۳۵ و ۵۴؛ سوره انفال، آیه۷۲ و ۷۴؛ سوره توبه، آیه۱۹ و ۲۰ و ۲۴ و ۴۱ و ۸۱؛ سوره حجرات، آیه۱۵؛ سوره ممتحنه، آیه۱؛ سوره صف، آیه۱۱.
۱۶. سوره اعراف، آیه۶۲.
۱۷. سوره اعراف، آیه۶۸.
۱۸. سوره اعراف، آیه۷۹.
۱۹. سوره حجر، آیه۹۹.
۲۰. *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۱۶۰.

### زیارت مشابه ششم

در *کامل الزیارات*، به نقل از ابراهیم بن ابی‌البلاد، از ابوالحسن علیه السلام [گویا مراد امام کاظم علیه السلام باشد] زیارتی برای پیامبر نقل کرده که در پاره‌ای از جملات با زیارت مورد بحث تشابه دارد؛ از جمله با بند سوم مورد بحث ما:

**اشهد انک قد بلّغت رسالات ربک و نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل ربک و عبدته حتی اتاک الیقین و ادّیت الّذی علیک من الحق.**[21]

نکته جالب در این زیارت و زیارت پیشین، این است که افعال دیگری که از سوی شارحان حدیث در زیارت مورد بحث ما به عنوان متعلّق جار و مجرور ذکر شده‌اند، یعنی فعل «بلّغت» و «نصحت» و «جاهدت»، در هر دو زیارت، و فعل «عبدته» در زیارت اخیر ذکر شده، ولی جار و مجرور «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به همراه آنها نیست. این امر، مؤیّد این معناست که جار و مجرور به این افعال تعلق ندارد.

در اینجا مناسب است با نقل روایات دیگری که از آیهٔ مورد بحث گرفته شده، خانواده بزرگ‌تری از احادیث مشابه را پیش روی خوانندگان قرار دهیم.

### روایات دیگر برگرفته از آیه ۱۲۵ سوره نحل

آیه مورد نظر در بحث ما سرچشمه احادیث بسیاری بوده است. ما به پاره‌ای از این احادیث اشاره می‌کنیم. در این اقتباس‌ها جمله «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به فعل دعا و مشتقات آن تعلّق دارد.

در اینجا تذکر این نکته مفید است در احادیثی که از این آیه سیراب گشته‌اند و از تعبیر آن بهره‌مند شده‌اند، فعل جمله، به تناسب مقام، با فعل آیه تفاوت دارد. همچنین، این احادیث در آوردن سبیل و نیاوردن آن تفاوت دارند؛ کیفیت اشاره به نام خداوند هم در این احادیث یکسان نیست. نقطه اشتراک این احادیث در تعبیر «بالحکمة و الموعظة الحسنة» است، برای یافتن سرچشمه احادیث و دست‌یابی به احادیث هم خانواده که از یک سرچشمه سیراب شده‌اند. باید به این‌گونه تفاوت‌ها توجه داشت و نقطه اشتراک احادیث هم خانواده و سرچشمه قرآنی آنها را به درستی به دست آورد.

حال به برخی از احادیث برگرفته از آیه فوق اشاره می‌کنیم:

۱.

**الامام یحلّ حلال الله و یحرّم حرام الله... و یدعو الی سبیل ربه بالحکمة و الموعظة الحسنة و الحجة البالغة...**[22]

---

۲۱. *کامل الزیارات*، ب۳، ح۵. (و به نقل از آن در *المزار* مفید، ص۱۷۳، ح۱ و *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۱۵۴).

۲۲. *الکافی*، ج۱، ص۱۹۸، ح۱ (و به نقل از آن در *الغیبة* نعمانی، ص۲۱۸)؛ *الامالی* صدوق، مجلس۹۷، ح۱؛ *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ص۲۱۶، ح۱؛ *کمال الدین*، ص۶۷۷ ح۳۲؛ *معانی الاخبار*، ص۹۸، ح۲ (و به نقل از کتب صدوق در *بحارالانوار*، ج۲۵، ص۱۲۰، ح۴)؛ *الاحتجاج*، ج۲، ص۴۴۲؛ *تحف العقول*، ص۴۳۶.

۲. در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام:

**أشهد انّک قد اقمت الصلاة و... و جاهدت فی الله حق جهاده و دعوت الی سبیله بالحکمة و الموعظة الحسنة حتی اتاک الیقین.**[۲۳]

۳. در زیارت سیدالشهداء علیه السلام:

**أشهد أنک قد اقمت الصلاة...، و دعوت الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة.**[۲۴]

و نظیر آن در برخی زیارات دیگر هم آمده است.[۲۵]
شبیه این عبارت، با افزودن «و عبدت الله مخلصاً حتی اتاک الیقین» در زیارت امام عسکری علیه السلام هم وارد شده است.[۲۶]

۴. در زیارت امام حسین علیه السلام در روز عید فطر:

**أشهد أنّک التالی لکتاب الله و امین الله و الداعی الی الله بالحکمة و الموعظة الحسنة.**[۲۷]

۵. در خطبه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام:

**اعلموا أنّی فاطمة و ابی محمد...، فبلّغ الرسالة... داعیاً الی سبیل ربه بالحکمة و الموعظة الحسنة...**[۲۸]

۶. در زیارت آن حضرت:

**أنا یا مولاتی بک و بابیک و بعلک و الائمة من ولده موقن... أشهد ان الدین دینهم و الحکم حکمهم و انهم قد بلّغوا عن الله عزّوجل و دعوا الی سبیل الله بالحکمة و الموعظة الحسنة...**[۲۹]

۷. در زیارت جامعه کبیره:

**و دعوتم الی سبیله بالحکمة و الموعظة الحسنة...**[۳۰]

---

۲۳. *الکافی*، ج۴، ص۵۷۰، ح۱ (و به نقل از آن در *التهذیب*، ج۶، ص۲۹، ح۵۶، و نظیر آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۲۹۳ و ۳۲۵).
۲۴. *الکافی*، ج۴، ص۵۷۴، ح۱؛ *کامل الزیارات*، ب۷۹، ح۳ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۱، ص۱۵۹).
۲۵. *کامل الزیارات*، ب۷۹، ح ۶ و ذیل آن (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۱، ص۱۶۵، ح۱۲ و ۱۳)؛ همان باب، ح۹ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۱، ص۱۶۶، ح۱۵)؛ باب ۱۰۴، ح۲ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۲، ص۱۶۰)؛ *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۳۲۵، به نقل از کتاب *عتیق غروی*، ج۱۰۱، ص۲۶۱، به نقل از «نسخة قدیمة من مؤلفات اصحابنا».
۲۶. *بحارالانوار*، ج۱۰۲، ص۶۷.
۲۷. *البلدالامین*، ص۲۸۷؛ *بحارالانوار*، ج۱۰۱، ص۲۵۹ و ۳۵۲.
۲۸. در مصادر بسیار از جمله: *الاحتجاج*، ج۱، ص۲۵۹ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۲۹، ص۲۲۳)؛ *دلائل الامامة*، ص۱۱۴؛ *الشافی* سید مرتضی، ج۴، ص۶۹ (و به نقل از آن در *شرح نهج البلاغه* ابن ابی الحدید، ج۱۶، ص۲۴۹)؛ *طرائف*، ج۱، ص۲۶۳؛ *کشف الغمة*، ج۱، ص۴۸۵.
۲۹. *اقبال*، ص۱۲۴ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۰، ص۱۹۹، ح۲۰).

۸. در زیارت جامعه دیگر:

**فصدع ﷺ بامر ربه و بلّغ ما حمّله و نصح لامته و جاهد فی سبیل ربه و دعا الیه بالحکمة و الموعظة الحسنة و صبر علی ما اصابه فی جنبه و عبده صادقاً حتی اتاه الیقین...**

۹. در صلوات بر معصومان، در صلوات بر امام رضا ؈:

**و دعا الی سبیلک بالحکمة و الموعظة الحسنة.** [۳۱]

.۱۰

**القرآن امام هاد و له قائد یهدی به و یدعو الیه بالحکمة و الموعظة الحسنة.** [۳۲]

۱۱. در نامه حضرت امیر ؈ به محمد بن أبی‌بکر:

**فأصحر لعدوک و شمّر للحرب و ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة.** [۳۳]

۱۲. در وصف حضرت مهدی ؈ به نقل از امام صادق ؈:

**قال المفضل: فما یصنع باهل مکة؟ قال: یدعوهم بالحکمة و الموعظة الحسنة.** [۳٤]

۱۳. در صلوات بر پیامبر و آل وی در وصف آل آن حضرت:

**و علی آله مصابیح الظلام و... و سدّدوا عقود حقک بموالاتهم من والاک و معاداتهم من عاداک و صبرهم علی ما اصابهم فی محبتک و دعائهم بالحکمة و الموعظة الحسنة الی سبیلک.** [۳۵]

۱۴. در دعا و صلوات بر پیامبر ﷺ:

**اللهم انّ محمداً ﷺ کما وصفته فی کتابک...، و دعا الی سبیلک بالحکمة و الموعظة الحسنة و عبدک مخلصاً حتی اتاه الیقین...** [۳٦]

---

۳۰. *کتاب من لا یحضره الفقیه*، ج۲، ص۶۰۹، ح۳۲۱۳؛ *عیون اخبار الرضا* ؈: ج۲.

۳۱. *مصباح المتهجد*، ص۴۰۲؛ *جمال الاسبوع*، ص۴۹۰ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۹۴، ص۷۶)، و نیز ر.ک: *البلد الامین*، ص۳۰۴؛ *بحارالانوار*، ج۱۰۲، ص۲۲۵.

۳۲. *خصائص الائمة*، ص۷۵ (و به نقل با واسطه از آن در *بحارالانوار*، ج۲۲، ص۴۸۶، ح۳۱).

۳۳. *الغارات*، ج۱، ص۱۷۱ (و به نقل از آن در *شرح ابن ابی الحدید بر نهج‌البلاغة*، ج۶ ص۷۸ و *بحارالانوار*، ج۳۳، ص۵۵۶).

۳۴. *الهدایة الکبری*، ص۳۹۹؛ *بحارالانوار*، ج۵۳، ص۱۱ (لفظ متن را از *بحار* آورده‌ایم).

۳۵. *بحارالانوار*، ج۸۹، ص۳۳۸، ج۱۰۲، ص۳۱۸ به نقل از اصل قدیم من مؤلفات اصحابنا.

۳۶. *جمال الاسبوع*، ص۴۷۱ به نقل از کتاب ابن عقده درباره مشایخ شیعه (احتمالاً مراد، کتاب *الرجال* ابن عقده است که در آن اصحاب امام صادق ؈ را جمع‌آوری کرده، و روایت هر یک را آورده است. ر.ک: *رجال الطوسی*، ص۱۷؛ *الرجال* علامه حلی، ص۲۰۴؛ *رجال النجاشی*، ص۹۴، ش۲۳۳) و به نقل از *جمال الاسبوع* در *بحارالانوار*، ج۹۰، ص۸۲ و به نقل از اصل قدیم من ←

در روایات دیگری هم از این آیه اقتباس شده که در اکثر قریب به اتفاق آنها عبارت «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به مشتقات «دعوة» تعلّق یافته است.[37] در پاره‌ای از روایات هم صریحاً این آیه نقل شده است.[38]

تنها در چند روایت این جار و مجرور به فعل دیگری مرتبط شده که احتمال تحریف در آنها منتفی نیست:

نخست، در زیارتی از امام حسین علیه السلام:

**أشهد أنّک قد اقمت الصلاة و... و جاهدت فی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة...**[39]

در این زیارت ـ که با مورد سوم پیش گفته و زیارات مشابهی که در ذیل آن یاد شد ـ شباهت زیادی دارد، احتمال تحریف بسیار است.

دوم، در زیارت مبسوطی از آن حضرت علیه السلام:

**أشهد أنک قد بلّغت و نصحت و وفیت و جاهدت فی سبیل‌الله بالحکمة و الموعظة الحسنة و مضیت للّذی کنت علیه شهیداً [شاهداً] و مستشهداً و مشهوداً...**[40]

احتمال تحریف در این زیارت نیز، با عنایت به زیارت‌های مشابه، جدّی است.[41]

سوم، در زیارت امام مهدی علیه السلام که به روایت نسبت داده نشده است، در وصف آن حضرت:

**الصادع بالحکمة و الموعظة الحسنة.**[42]

---

مؤلفات قدماء اصحابنا: «اخبرنا احمدبن محمدبن سعید»، در *بحارالانوار*، ج۹۴، ص۴۳، و نیز ر.ک: *بحارالانوار*، ج۸۹، ص۳۳۶ و ج۱۰۲، ص۳۱۶.

۳۷. با عبارت: «الداعون الی سبیل الله بالحکمة و الموعظة الحسنة» (*بحارالانوار*، ج۱۰۲، ص۱۸۷)، یا «دعوت الی الله بالحکمة و الموعظة الحسنة» (*بحارالانوار*، ج۱۰۱، ص۲۳۹ و ص۳۲۰ احتمالاً از سید مرتضی)، یا «انک دعوت الی الحق و الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة» (*بحارالانوار*، ج۱۰۱، ص۲۶۸) و نیز در نامه محمد بن ابی بکر به معاویه (*وقعة صفین*، ص۱۱۸، و به نقل از آن در *شرح نهج‌البلاغه*، ابن ابی الحدید، ج۳، ص۱۸۸، و نیز *الاحتجاج*، ج۱، ص۴۳۴ و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۳۳، ص۵۷۶، ح۷۲۳).

۳۸. *الکافی*، ج۵، ص۱۳، ح۱ (و به نقل از آن در *التهذیب*، ج۶، ص۱۲۷، ح۲۲۴، *وسائل‌الشیعة*، ج۱۵، ص۳۴، ح۱۹۹۴۹، باب ۹ از ابواب جهاد العدو، ح۱، و نیز ر.ک: *دعائم‌الاسلام*، ج۱، ص۳۳۹)؛ تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص۵۲۷، و به نقل از آن در *الاحتجاج*، ج۱، ص۲۳ و به نقل از *الاحتجاج* در *بحارالانوار*، ج۲، ص۱۲۵، ح۲ و به نقل از *تفسیر* در ج۹، ص۲۵۵، ح۱ و ج۷۳، ص۴۰۲.

۳۹. *کامل الزیارات*، ب۷۹، ح۱۲ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۱، ص۱۷۱).

۴۰. *کامل الزیارات*، ب۷۹، ح۱۷ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۱، ص۱۸۲).

۴۱. تعبیر «مضیت للّذی کنت علیه شهیداً...» در برخی زیارات دیگر دیده می‌شود. این زیارت‌ها با زیارت مورد نظر، شباهت بسیار دارند. در این زیارت‌ها پس از «جاهدت»، عبارت «بالحکمة و الموعظة الحسنة» دیده نمی‌شود. لذا بعید نمی‌نماید که این تعبیر در این زیارت زاید باشد: ر.ک: *الکافی*، ج۴، ص۵۷۵، ح۲ (و به نقل از آن در *التهذیب*، ج۶، ص۵۵، ح۱۳۱؛ *وسائل‌الشیعة*، ج۱۴، ص۴۹۰، ح۱۹۶۷۲، کتاب *الحج*، ابواب المزار، ب۶۲، ح۱)؛ *کتاب من لا یحضره الفقیه*، ج۲، ص۵۹۴، ح۳۱۹۹؛ *کامل الزیارات*، ب۷۹، ح۲ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۱۰۱، ص۱۵۱).

۴۲. *بحارالانوار*، ج۱۰۲، ص۱۰۱.

## تکمیل پرونده احادیث برگرفته از آیه فوق

نگارنده برای یافتن احادیثی که از آیه مورد بحث برگرفته است، از تعبیر «بالحکمة و الموعظة الحسنة» و برخی تعابیر دیگر در جستجوی لفظی بهره گرفت، ولی این احتمال وجود داشت که شاید حرف جرّ باء در پاره‌ای روایات با کلمه «الحکمة» همراه نشده باشد، لذا با جستجوی «الموعظة الحسنة» به دنبال یافتن دیگر روایات مشابه برآمد. با این جستجو دو متن زیر به دست آمد:

۱. در *نهج البلاغه* در وصف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

**فبالغ صلی الله علیه و آله فی النصیحة و مضی علی الطریقه و دعا الی الحکمة و الموعظة الحسنة.**[۴۳]

در این متن، اشکالی به خاطر می‌رسد؛ بنابر آیه قرآن، حکمت و موعظه حسنه وسیله دعوت است، نه هدف دعوت. لذا برخی از شارحان حدیث در صدد تأویل آن و هماهنگ‌سازی آن با آیه فوق برآمده‌اند:

ابن میثم در شرح این عبارت آورده است:

**دعوته الی الحکمة و الموعظة هی دعوته الی سبیل الله بهما امتثالاً لقوله تعالی: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾.**[۴۴]

ولی احتمال وقوع تحریف در این متن را نباید از نظر دور دانست.[۴۵]

۲. در نامهٔ مأمون به امام رضا علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله:

**فبلّغ عن الله رسالته و دعا الی سبیله بما امره به من الحکمة و الموعظة الحسنة و المجادلة بالّتی هی احسن ثم بالجهاد و الغلظة.**[۴۶]

در اینجا نقل روایت دیگری مفید است که در آن، در لابه‌لای «بالحکمة و الموعظة الحسنة»، کلمه «البالغة» افزوده شده است. لذا این متن در جستجوی عبارتی «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به دست نمی‌آید، بلکه جستجوی ترکیبی «بالحکمه» و «الموعظة الحسنة» برای یافتن روایت کارساز است.

در زیارتی جامعه خطاب به امام معصوم علیه السلام گفته می‌شود:

**... و دعوت الی الله بالحکمة البالغة و الموعظة الحسنة.**

آنچه تاکنون آوردیم، درباره حدیثی بود که سرچشمه قرآنی داشت. حال، به بررسی حدیثی از حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌پردازیم که در سنت ریشه دارد.

---

۴۳. *نهج البلاغه*، خ۹۵؛ شرح *نهج البلاغه* ابن ابی الحدید، ج۷، ص۶۶؛ *بحار الانوار*، ج۱۸، ص۲۱۹.

۴۴. شرح *نهج البلاغه* ابن میثم، ج۲، ص۴۰۰ و نظیر آن در *منهاج البراعة*، ج۷، ص۱۱۴.

۴۵. محقق شوشتری در *بهج الصباغة*، ج۲، ص۱۹۶ در هنگام تفسیر این سخن، آن را به این شکل نقل کرده است: «و دعا الی الله بالحکمة و الموعظة الحسنة» و سپس به آیه قرآن اشاره کرده است. این متن محرف، گویا از این جهت بر قلم این محقق جاری شده که تحریف عبارت اصلی در ارتکاز ذهنی ایشان جا گرفته بوده است.

۴۶. *کشف الغمة*، ج۲، ص۳۳۲ (و به نقل از آن در *بحار الانوار*، ج۴۹، ص۱۴۸).

## نقل کلام حضرت امام حسین سیدالشهداء علیه‌السلام و توضیح دربارهٔ مفاد آن

**... انّ الناس عبید الدنیا، و الدین لعق علی السنتهم یحوطونه ما درّت معایشهم، فاذا محّصوا بالبلاء قلّ الدّیانون.**[۴۷]

در این حدیث شریف، عبارت «الدین لعق علی السنتهم» نیازمند تفسیر است. مراد از واژه لعق چیست و تناسب کاربرد آن در این عبارت کلام است؟

نگارنده، برای فهم دقیق این عبارت، به روایاتی که در آن واژه «لعق» (به همین شکل) به کار رفته مراجعه کرده، با دیدن روایات مربوط به «لعق الاصابع»،[۴۸] «لعق الصحفة»،[۴۹] «لعق القصعة»[۵۰] دریافت که لعق به معنای لیسیدن است؛ چنان‌که ابن‌اثیر هم در *النهایة* به این معنا اشاره می‌کند:

**لعق الاصابع و الصحفة: لطع ما علیها من اثر الطعام.**[۵۱]

ولی این روایات به فهم حدیث فوق و دریافت وجه تشبیه در این حدیث کمک چندانی نکرد.

در ضمن جستجو به روایاتی که در آن واژه‌های مرتبط با «لعق» به کار رفته مراجعه شد و به این عبارت از *نهج‌البلاغه* برخورد شد که حضرت درباره مروان بن الحکم فرموده‌اند:

**انّ له امرة کلعقة الکلب انفه.**[۵۲]

شارحان *نهج‌البلاغه* وجه تشبیه را کوتاهی مدت حکومت مروان دانسته‌اند.[۵۳]

تعبیر دیگری هم در نامه آن حضرت به اهل بصره وارد شده است:



**لاوقعن بکم وقعة لا یکون یوم الجمل الیها الّا کلعقة لاعق.**[۵۴]

---

۴۷. در *تحف العقول*، ص۲۴۵ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۸۷، ص۱۱۶) ایراد این سخن را در مسیر کربلا دانسته است، ولی به نقل *مقتل* خوارزمی، ص۳۳۷ (ر.ک: *بحارالانوار*، ج۴۴، ص۳۸۳) حضرت این کلام را خطاب به اصحاب خود در هنگام ورود به کربلا ایراد فرموده‌اند. مصدر دیگری درباره این حدیث، پس از این خواهد آمد.

۴۸. *کتاب من لا یحضره الفقیه*، ج۳، ص۳۵۹، ح۴۲۷۰؛ *المحاسن*، ج۲، ص۴۴۳ (باب لعق الاصابع)؛ *الخصال*، ص۴۸۵؛ *دعائم‌الاسلام*، ج۲، ص۱۲۰؛ *مکارم‌الاخلاق*، ج۱، ص۷۵ و ۳۰۶.

۴۹. *مکارم‌الاخلاق*، ج۱، ص۷۴؛ *الجعفریات*، ص۱۶۲؛ *دعائم الاسلام*، ج۲، ص۱۲۰ و نیز ر.ک: *بحارالانوار*، ج۳۳، ص۴۹۶، ج۶۶ ص۴۰۵ و ۴۰۶؛ *وسائل‌الشیعة*، ج۲۴، ص۳۷۱، *ابواب آداب المائدة*، باب۶۷

۵۰. *مکارم‌الاخلاق*، ج۱، ص۳۱۴، ح۱۰۰۲ / ۳۷.

۵۱. *لسان العرب*، ج۱۰، ص۳۳۰.

۵۲. *نهج‌البلاغه*، خ۷۳ (صبحی صالح)؛ خ۷۲ (ابن ابی الحدید)؛ خ۶۹ (عبده).

۵۳. *اختیار مصباح السالکین*، ص۱۸۱؛ *بهج‌الصباغة*، ج۵، ص۶۰۲ (و نیز ج۱۰، ص۱۸۷)؛ *پیام امام*، ج۳، ص۲۰۶؛ *تصنیف نهج‌البلاغه*، ص۳۶۸؛ *شرح نهج‌البلاغه* ابن ابی الحدید، ج۶ ص۱۴۶؛ *شرح نهج‌البلاغه* ابن میثم بحرانی، ج۲، ص۲۰۳؛ شرح عبده بر *نهج‌البلاغه*، ج۱، ص۱۲۰؛ *بحارالانوار*، ج۳۲، ص۲۳۵؛ *تفسیر کنز الدقائق*، ج۶ ص۲۶۲.

۵۴. *نهج‌البلاغه*، کتاب ۲۹.

ابن ابی الحدید در توضیح این عبارت گوید:

**کلعقة لاعق مثل یضرب للشیء الحقیر التافه و یروی بضمّ اللام و هی ما تأخذه الملعقة.**[۵۵]

نظیر این عبارت در کلام دیگر شارحان *نهج‌البلاغه* هم دیده می‌شود.[۵۶]

روایات دیگری هم که این واژه را در برداشت، تأییدگر این معنا بود؛ از جمله در حدیثی می‌خوانیم:

**فالویل الطویل لمن باع ثواب معاده بلعقة لم تبق، و بلعسة لم تدم.**[۵۷]

و یا در روایت دیگر، در وصف دنیای بی‌ارزش ظالمان اهل‌بیت می‌خوانیم:

**و هل هی الا کلعقة الآکل و مذقة الشارب و خفقة الوسنان، ثم تلزمهم المعرّات خزیاً فی الدنیا و یوم القیامة یردون الی اشدّ العذاب؟**[۵۸]

با این همه، هنوز لطافت کلام امام﷣ به درستی درک نشده بود تا به سرچشمه حدیث فوق برخورد شد.

## سرچشمه حدیث

در خطبه‌ای از *نهج‌البلاغه* در مذمّت دنیا آمده است:

**قد تصافیتم علی رفض الآجل و حبّ العاجل و صار دین احدکم لعقة علی لسانه.**[۵۹]

ابن ابی الحدید در توضیح این روایت آورده که فرزدق این سخن را از حضرت گرفته و هنگامی که از عراق آمده و حسین بن علی از وی از مردمان پرسید، در پاسخ گفت:

**اما قلوبهم فمعک، و امّا سیوفهم فعلیک، و الدین لعقة علی السنتهم، فاذا امتحصوا قلّ الدیانون.**[۶۰]

در این سخن خلطی رخ داده و سخن فرزدق با سخن امام﷣ در هم آمیخته است. در *کشف الغمة* به نقل از فرزدق گوید:

حسین﷣ در هنگام بازگشتم از کوفه با من ملاقات کرد و گفت: ای ابا فراس، در پشت سرت چه خبر است؟ گفتم: راست بگویم؟ گفت: راستی را خواهانم. گفتم: «اما القلوب فمعک، امّا

---

۵۵. *شرح ابن ابی الحدید*، ج۱۶، ص۴.

۵۶. *اختیار مصباح السالکین*، ص۵۰۲؛ *حدائق الحقائق*، ج۲، ص۴۴۷؛ *شرح نهج‌البلاغه* ابن میثم، ج۴، ص۴۴۸؛ شرح عبده بر *نهج‌البلاغه*، ج۳، ص۴۱ (التشبیه فی السهولة و سرعة الانتهاء) و...

۵۷. *الکافی*، ج۸، ص۴۲، ح۸ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۷۷، ص۳۶) و نیز ر.ک: *اعلام الدین*، ص۲۲۰؛ *مجموعه ورام*، ج۲، ص۴۶.

۵۸. *الکافی*، ج۸، ص۳۰؛ *مجموعه ورام*، ج۲، ص۴۱ (و نیز ر.ک: *بحارالانوار*، ج۳۴، ص۲۳۰).

۵۹. *نهج‌البلاغة*، خ۱۱۳ (صبحی صالح)؛ خ۱۱۲ (ابن ابی الحدید، فیض‌الاسلام و مؤسسه نشر اسلامی)؛ خ۱۰۹ (عبده)، و نیز در *غررالحکم*، ص۱۲۳ با عبارت «قد صار دین احدکم...» قطعه‌ای از روایت آمده است.

۶۰. *شرح نهج‌البلاغة*، ج۷، ص۲۴۹.

السیوف فمع بنی‌امیة، و النصر من عندالله، گفت: ما اراک الاّ صدقت، الناس عبید المال، و الدین لعق علی السنتهم یحوطونه ما درّت به معائشهم، فاذا محصّوا بالبلاء قلّ الدیانون».[۶۱]

با وجود این خلط، سخن ابن ابی الحدید دریچه جالبی برای فهم حدیث حضرت سیدالشهداء گشود. با شناخت سرچشمه این حدیث، گفتار شارحان کلام علوی[۶۲] ـ که بسیار بیشتر از شارحان کلام سایر معصومان هستند ـ شرحی بر حدیث حضرت سیدالشهداء ارائه می‌دهد.

ما در اینجا به نقل کلام ابن ابی الحدید و اشاره‌ای گذرا به کلام سایر شارحان بسنده می‌کنیم: وی می‌گوید:

اصل اللعقة شیء قلیل یؤخذ بالمعقة من الاناء یصف دینهم بالنزارة و القلة کتلک اللعقة و لم یقنع بان جعله لعقة حتی جعله علی السنتهم فقط ای لیس فی قلوبهم.[۶۳]

از این سخن برمی‌آید که: اولاً، دین مردمان اندک و ناچیز است و ثانیاً، تنها بر سر زبان‌هایشان جاری است و به دل‌هایشان راه نیافته است. به نکته دوم، در کلام شارحان دیگر نیز اشارت رفته است.[۶۴]

در اینجا باید یادآور شویم که ممکن است تشبیه به جهت قلّت، تنها در واژه لعقة (با تاء) باشد و نه در لعق (بدون تاء)؛ با این بیان که تاء لعقة، تاء وحدت گرفته شده، که نشانگر اندکی این فعل است.[۶۵] لذا این احتمال وجود دارد که در اصل کلام حضرت سیدالشهداء نیز «لعقة» به جای لعق بوده است. در پاره‌ای مصادر نیز کلام آن حضرت به این شکل نقل شده است.

## تذکر دو تحریف در متن احادیث

در متن کلام حضرت سیدالشهداء، در برخی کتب، به جای لعق، لغو دیده می‌شود که بی‌تردید، محرّف است.[۶۶] در سخن حضرت مولا نیز در برخی مصادر، «صادرین» به «مصادرین» تحریف شده است.[۶۷] لذا برای یافتن روایات مشابه باید احتمال تحریف را از نظر نینداخت و به یک شکل جستجو بسنده نکرد.

---

۶۱ *کشف الغمة*، ج۲، ص۳۲، و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۴۴، ص۱۹۵، ح۹ با تحریف لعق بلغو. در مصادر دیگری هم مضمون کلام فرزدق به نقل از او (*الارشاد*، ج۲، ص۶۶؛ *انساب الاشراف*، ج۳، ص۱۶۵؛ *تاریخ الطبری*، ج۳، ص۲۹۶؛ *کشف الغمة*، ج۲، ص۴۲؛ *مناقب* ابن شهر آشوب، ج۴، ص۹۴) یا با نسبت به دیگران (*الفتوح* ابن اعثم، ج۵، ص۷۷؛ *دلائل الامامة*، ص۱۸۲؛ ر.ک: *موسوعة کلمات الامام الحسین*، ص۳۳۶ـ ۳۳۸ و نیز ص۳۴۸. شبیه این کلام از امام حسن در وصف اهل کوفه وارد شده است: ان قلوبهم معنا و ان سیوفهم لمشهورة علینا. (*الاحتجاج*، ج۲، ص۷۲ و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج۴۴، ص۱۴۷، ح۱۴).

۶۲ *اختیار مصباح السالکین*، ص۲۶۸.

۶۳ *شرح نهج‌البلاغه*، ج۷، ص۲۴۹ و نیز ر.ک: *شرح غررالحکم* خوانساری، ج۴، ص۴۸۲.

۶۴ *توضیح نهج‌البلاغه*، ج۲، ص۲۱۳؛ شرح عبده بر *نهج‌البلاغه*، ج۱، ص۲۲۱؛ *منهاج البراعة* راوندی، ج۲، ص۹؛ شرح ابن میثم بر *نهج‌البلاغه*، ج۳، ص۹۲ (و به نقل از آن در *منهاج البراعة* خویی، ج۸ ص۴۹)، در *اختیار مصباح السالکین* دو نکته را در یک عبارت درج کرده است: اللعقة بالضمّ اسم لما یأخذه الملعقة مما یعلق و استعارة للاقرار بالدین باللسان و کنیٰ به عن ضعفه و قلّته، و نیز ر.ک: *اعیان الشیعة*، ج۸، ص۴۴۴.

۶۵ در کتاب *العین*، ج۱، ص۱۶۷ آمده: «اللعقة: اسم ما تأخذه بالملعقة و اللعقة: المرة الواحدة، فالمضموم اسم و المفتوح فعل مثل اللقمة و اللقمة و الاکلة و الاکلة» و در *لسان العرب*، ج۱۰، ص۳۳۰ می‌خوانیم: «اللعقة: مالعق... و اللعقة الشیء القلیل منه».

۶۶ *بحارالانوار*، ج۴۴، ص۱۹۵، ح۹ به نقل از *کشف الغمة*، ولی در *کشف الغمة*، ج۲، ص۳۲ عبارت به شکل صحیح آمده است.

**روایتی دیگر مشابه دو روایت گذشته**

در *ارشاد القلوب*، در باب ۱۶، فی اشراط الساعة و اهوالها، در ضمن خطبه‌ای از پیامبر اکرم ﷺ در مذمت مردمان آخرالزمان آمده:

**و دین احدهم لعقة علی لسانه ان اعطی شکر و ان منع کفر.**

اگر بتوان به این نقل مرسل و منفرد اعتماد کرد،[۶۸] سرچشمه اصلی حدیث حضرت سیدالشهداء و حضرت امیر علیهما السلام را باید در این خطبه نبوی ﷺ جستجو کرد. به هرحال، این حدیث را باید در کنار دو روایت دیگر مدّ نظر داشت.

## نتیجه

۱. بهره‌گیری از احادیث مشابه برای دریافت متن دقیق و بی‌تحریف حدیث و فهم درست از آن باید در سایهٔ شناخت سرچشمه حدیث صورت گیرد.

۲. چنانچه سرچشمه حدیث قرآن کریم باشد ـ که متن بدون تحریف آن در اختیار ماست ـ تفاوت حدیث با سرچشمه آن می‌تواند ناشی از تحریف حدیث باشد. البته ممکن است حدیث با قرائتی غیرمتداول از قرآن سازگار باشد، لذا نباید هر تفاوتی را در حدیث به حساب تحریف آن نهاد.

۳. ممکن است در حدیث، با الهام از آیه قرآن، عبارتی ذکر شده باشد که با آیه قرآن متفاوت باشد؛ مثلاً واژه‌ای از آیه کاسته یا بدان افزوده باشد. این تفاوت‌ها نیز نشانگر تحریف حدیث نیست و تنها در صورت غرابت متن حدیث و ناسازگاری عبارت آن با سیاق حدیث و نکاتی از این دست می‌توان با توجه به تفاوت حدیث با سرچشمه آن به محرّف بودن حدیث اندیشید.

۴. برای یافتن سرچشمه حدیث و دستیابی به احادیث هم‌خانواده با سرچشمه واحد باید نقطه اشتراک احتمالی احادیث را یافت و با جستجوی این نقطه اشتراک، با عنایت به تفاوت‌های احتمالی سایر عناصر موجود در کلام، به نتیجه نزدیک شد.

۵. با توجه به احتمال تحریف در برخی از احادیث هم‌خانواده، نباید تنها به یک جستجو اکتفا کرد. احتمال افزایش یا کاهش در برخی احادیث هم اقتضا می‌کند که از جستجوهای متنوع بهره گرفت.

۶. تشبیه احادیث مشابه به احادیث هم‌خانواده، این پیام را دربر دارد که چه بسا یک خانواده بزرگ حدیثی خود از خانواده‌های کوچک‌تری تشکیل شده باشد که هر یک سرچشمه خاص خود را داشته باشند، ولی تمامی این خانواده‌ها از یک اصل واحد و سرچشمه اصلی نشأت گرفته باشد.

۷. ارتباط احادیث با یکدیگر چه بسا در یک شبکه خلاصه نگردد، بلکه شبکه‌های مختلف ارتباطی بین احادیث وجود داشته باشد که نوعی ارتباط زنجیره‌ای آنها را به یکدیگر متصل سازد. لذا ارائه یک نمودار برای خانواده احادیث میسّر نیست، بلکه باید برای هر نوع شبکه نموداری ارائه داد که قهراً این نمودارها با یکدیگر تداخل دارند.

---

۶۷. از جمله: *مجمع البحرین*، ج۴، ص۱۲۴؛ *الامثال و الحکم*، ص۳۴۶.

۶۸. ر.ک: *بحارالانوار*، ج۲۹، ص۴۶ و ۶۵.

۸. یافتن سرچشمه احادیث، همچون یافتن احادیث مشابه این فایده را دارد که شرح و توضیح یک حدیث به احادیث مشابه آن نیز انتقال می‌یابد، بویژه اگر سرچشمه حدیث آیات قرآن و کلام حضرت امیر علیه السلام باشد که در تفسیر و توضیح آن کتاب‌های بسیار نگارش یافته است.

۹. در کشف سرچشمه احادیث به میزان اعتبار منابع حدیثی باید توجه کافی داشت.

## کتابنامه


- *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشّی)*، محمّد بن الحسن الطوسی (م۴۶۰ق)، تحقیق: السیّد مهدی الرجائی، قم: مؤسسة آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق.
- *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، أحمد بن علی الطَبرسی (م۶۲۰ق)، تحقیق: إبراهیم البهادری و محمّد هادی‌به، تهران: دارالأُسوة، ۱۴۱۳ق.
- *الإرشاد فی معرفة حجج اللّه علی العباد*، محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م۴۱۳ق)، تحقیق: مؤسسة آل البیت علیهم السلام، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.
- *الإقبال بالأعمال الحسنة فی ما یعمل مرّة فی السنة*، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م۶۶۴ق)، تحقیق: جواد القیّومی، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ق.
- *الأمالی*، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م۳۸۱ق)، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۰۷ق.
- *أنساب الأشراف*، أحمد بن یحیی البلاذری (م۲۷۹ق)، تحقیق: سهیل زکّار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- *بحار الأنوار*، محمّد باقر بن محمّد تقی المجلسی (العلاّمة المجلسی) (م۱۱۱۱ق)، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- *البلد الأمین والدرع الحصین*، إبراهیم بن زین الدین الکفعمی (م۹۰۵ق).
- *تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)*، محمّد بن جریر الطبری (م۳۱۰ق)، تحقیق: محمّد أبوالفضل إبراهیم، مصر: دارالمعارف.
- *تحف العقول عن آل الرسول* صلی الله علیه و آله، الحسن بن علی الحرّانی (ابن شعبة) (م۳۸۱ق)، تحقیق: علی أکبر الغفّاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
- *تصنیف نهج البلاغة*، لبیب بیضون، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
- *تهذیب التهذیب*، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر) (م۸۵۲ق)، تحقیق: خلیل مأمون شیحا وعمر السلاحی وعلی بن مسعود، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۷ق.
- *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*، علی بن موسی الحلّی (ابن طاووس) (م۶۶۴ق)، تحقیق: جواد القیّومی، قم: مؤسسة الآفاق، ۱۳۷۱ش.

ـ *خصائص الأئمّة*ﷺ (خصائص أمير المؤمنينﷺ)، محمّد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م۴۰۶ق)، تحقيق: محمّد هادى الأمينى، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميّة التابع للحضرة الرضويّة المقدّسة، ۱۴۰۶ق.

ـ *الخصال*، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م۳۸۱ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۴۱۴ق.

ـ *دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام*، النعمان بن محمّد التميمى المغربى (م۳۶۳ق)، تحقيق: آصف بن على أصغر فيضى، مصر: دارالمعارف، ۱۳۸۹ق.

ـ *دلائل الإمامة* ، محمّد بن جرير الطبرى (م۳۱۰ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.

ـ *رجال العلاّمة الحلّى (خلاصة الأقوال)*، حسين بن يوسف الحلّى (العلاّمة) (۷۲۶ ق)، قم: منشورات الشريف الرضى.

ـ *الشافى فى الإمامة*، على بن الحسين الموسوى (السيّد المرتضى) (م۴۳۶ق)، تحقيق: عبدالزهراء الحسينى الخطيب، تهران: مؤسسة الإمام الصادقﷺ، ۱۴۱۰ق.

ـ *شرح نهج البلاغة*، عبدالحميد بن محمّد المعتزلى (ابن أبىالحديد) (م۶۵۶ق)، تحقيق: محمّد أبوالفضل إبراهيم، بيروت: دارإحياء التراث، ۱۳۸۷ق.

ـ *الطرائف فى معرفة مذاهب الطوائف*، على بن موسى الحلّى (ابن طاووس) (م۶۶۴ق)، قم: مطبعة الخيّام، ۱۴۰۰ق.

ـ *عيون أخبار الرضا*ﷺ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م۳۸۱ق)، تحقيق: السيّد مهدى الحسينى اللاجوردى، تهران: منشورات جهان.

ـ *الغارات*، إبراهيم بن محمّد (ابن هلال الثقفى) (م۲۸۳ق)، تحقيق: مير جلال الدين المحدّث الأرموى، تهران: انجمن آثار ملّى، ۱۳۹۵ق.

ـ *الغيبة*، محمّد بن إبراهيم الكاتب النعمانى (م۳۵۰ق)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، تهران: مكتبة الصدوق.

ـ *الفتوح*، أحمد بن أعثم الكوفى (م۳۱۴ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالأضواء، ۱۴۱۱ق.

ـ *الكافى*، محمّد بن يعقوب الكلينى الرازى (م۳۲۹ق)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، بيروت: دارصعب ودارالتعارف، ۱۴۰۱ق.

ـ *كامل الزيارات*، جعفر بن محمّد بن قولويه (ابن قولويه) (م۳۶۷ق)، تحقيق: جواد القيّومى، قم: نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.

ـ *كتاب من لا يحضره الفقيه*، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م۳۸۱ق)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى.

ـ *كشف الغمّة فى معرفة الأئمّة* ، على بن عيسى الإربلى (م۶۸۷ق)، تصحيح: السيّد هاشم الرسولى المحلاّتى، بيروت: دارالكتاب، ۱۴۰۱ق.

ـ *كمال الدين وتمام النعمة*، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م۳۸۱ق)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۴۰۵ق.

ـ *مجمع البحرين*، فخر الدين الطريحى (م۱۰۸۵ق)، تحقيق: السيّد أحمد الحسينى، تهران: مكتبة نشر الثقافة الإسلاميّة، ۱۴۰۸ق.

ـ *المحاسن*، أحمد بن محمّد البرقى (م۲۸۰ق)، تحقيق: السيّد مهدى الرجائى، قم: المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۳ق.

ـ *مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول*، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلاّمة المجلسى) (م۱۱۱۱ق)، تحقيق: السيّد هاشم الرسولى المحلاتى، تهران: دارالكتب الإسلاميّة، ۱۳۷۰ش.

ـ *المزار*، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م۴۱۳ق)، تحقيق: محمّد باقر الأبطحى، قم: المؤتمر العالمى لألفيّة الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ق.

ـ *مصباح المتهجّد*، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م۴۶۰ق)، تحقيق: على أصغر مرواريد، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ق.

ـ *المصباح فى الأدعية والصلوات والزيارات*، إبراهيم بن على العاملى الكفعمى (م۹۰۰ق)، قم: منشورات الشريف الرضى.

ـ *معانى الأخبار*، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م۳۸۱ق)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۳۶۱ش.

ـ *مقتل الحسين عليه السلام*، موفّق بن أحمد المكّى الخوارزمى (م۵۶۸ق)، تحقيق: محمّد السماوى، قم: مكتبة المفيد.

ـ *مكارم الأخلاق*، الفضل بن الحسن الطبرسى (م۵۴۸ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۴۱۴ق.

ـ *مناقب آل أبى طالب (المناقب لابن شهر آشوب)*، محمّد بن على المازندرانى (ابن شهرآشوب) (م۵۸۸ق)، قم: المطبعة العلميّة.

ـ *منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة*، حبيب الله بن محمّد هاشم الخوئى (م۱۳۲۴ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.

ـ *نهج البلاغة*، محمّد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م۴۰۶ق)، تصحيح: محمّد عبده، بيروت: مؤسسة الأعلمى.

ـ *الوافى*، محمّدمحسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشانى) (م۱۰۹۱ق)، تحقيق: ضياء الدين حسين اصفهانى، اصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، ۱۴۰۶ق.

ـ *وسائل الشيعة*، محمّد بن الحسن الحرّ العاملى (م۱۱۰۴ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.